



زاویه دید

علیرضا نراقی | گروه فرهنگ و هنر



نمایش «اهل هوا» نوشته مریم تاجیک و به کارگردانی محمد حاتمی مدتی است که در تماشاخانه عمارت نوفل لوشاتو اجرا می‌شود. نمایش، روایتی پیچیده از یک داستان ساده است؛ سادگی این داستان البته به معنای پیش‌پافتادگی و عدم اهمیت آن نیست، بلکه به معنای آشنایی رخداد اصلی آن برای مخاطب ایرانی و اتصالات واضح شخصیت‌ها و موقعیت آنها در طول درام و قابل شناسایی بودن زمینه‌های فرهنگی اثر است اما پیچیدگی بیانی نمایش، ریشه در شیوه انتخاب شده برای روایت، نوع نزدیک شدن به رخداد و کنش اصلی، زبان نمایشنامه و تمهیدات اتخاذ شده توسط حاتمی در تحقق صحنه‌ای متن است.

اهل هوا روایتی پازل‌گونه دارد. از جایی دور و تصویری کوچک آغاز می‌شود. ابتدا صدای آب را در تاریکی می‌شنویم و سپس صدای موسیقی و این‌گونه جغرافیا در ذهن‌مان تصویر می‌شود. مراسم زار را از دور تشخیص می‌دهیم و در قاب‌های پرده‌پوش سفید که با نور به رنگ خون درآمده‌اند، شمایل شخصیت‌های نمایش را سایه‌وار می‌بینیم. این آغاز، هم نمایی معرف برای جغرافیا و فضای نمایش است، هم شیوه اجرا را قرارداد می‌کند که شامل نگرش شمایل‌وار و سرنوینی به شخصیت‌هاست و هم ابزار و صحنه را نمادسازی می‌کند. نمایشنامه از جایی دور شروع می‌کند، با زبانی ناآشنا که باید به آن دقت کنیم و در روند نمایش آن را بشناسیم و نشانه‌هایش را درک کنیم. در نمایش شخصیتی به نام عبدو وجود دارد که شکنجه و تبعید، او را به خُلو تبدیل کرده. روان عبدو را گذشته‌اش گسیخته کرده و دانش و حکمتی را که در درون دارد، از انسجام تهی کرده است. نمایش گویی در ذهن این شخصیت معصوم و دوست‌داشتنی می‌گذرد، گویی که نمایش هم از عبدو به خلو تبدیل شده و تلاش دارد با زبانی پیچیده و ادبی، روایتی ساده اما درناک را پیش چشم مخاطب بگذارد. در این میان بازی درخشان و از یاد نرفتنی جواد یحیوی در نقش عبدو/خلو در تحقق این ایده بسیار مؤثر است. ارتباط با نمایش اهل هوا به دشواری اتفاق می‌افتد چرا که زبان این نمایش زبان کنش و معرفی نیست، بلکه مانند شعرِ نمادین، زبان پنهان‌کننده و نشانه‌گذاری شده در سایه‌روشن‌هاست. شاعرانگی در نمایش به معنای برون‌رفت از روایت خطی و برهم آمیزی زمان به مانند زبان است. به همین دلیل اهل هوا نمایش آرمدن آسوده و دریافت صرف توسط تماشاگر نیست، بلکه برای دریافت و درک، نیازمند هوشیاری، سکوت و کلتیچار ذهنی میان مخاطب و نمایشگران است. صحنه هم متأثر از همین زبان، از نماد مملو شده و آیه‌ها و نشانه‌ها بیشتر از افشا کردن ساده دروینات شخصیت‌ها و تحقق جاذبه‌های بصری صرف، صفحات کاغذی هستند که به کلمات حجم می‌دهند و کلام را به تصویر بدل می‌کنند. آنچه حاتمی در صحنه تمهید کرده است، فشرده‌شده در شیوه بیانی عبدواست، وقتی که آنچه را به کلامش می‌آید، یا به کلام دیگری می‌آید، با پیچش‌هایی کوچک اما خلاق به کلماتی تصویری روی زمین تبدیل می‌کند تا خطوط و ارتباطات در ذهن او، و البته در ذهن مخاطب، بازیابی شود. اشاره به دریا و مراسم زار تلاشی است برای این‌که از راهی پنهانوار، رازآمیز و ذهنی، بتوانیم خط و ربط‌ها و روابط را حس کنیم. فرهنگ و مردسالاری به رغم این‌که مفاهیمی کلی هستند اما هر کدام یکی از قطعات مهم تکمیل تصویر پازل گونه نمایش اهل هوا محسوب می‌شوند. زن در فرهنگی قبیله‌ای با وجود زیبایی و دل‌انگیزی، امنیت و مهر، در نهایت همچون پیکری است برای تحقق عاملیت مرد و فرهنگ تک‌صدایی و وحدت‌گرای قبیله. از نکاتی که در ساخت روایی نمایش اهل هوا اهمیت دارد، این است که این دیدگاه به شیوه‌ای زبانه روایت می‌شود.

خبر

با اجرای نمایش «مکبث زار» به کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی از اواخر فروردین سال ۱۴۰۲ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر، این تالار بعد از چند ماه میزبان یک نمایش می‌شود. ابراهیم پشت‌کوهی، درباره تازه‌ترین اثر خود می‌گوید: براساس صحتی که با تئاتر شهر داشته‌ایم، قرار است نمایش «مکبث زار» از اواخر فروردین سال ۱۴۰۲ در تالار اصلی این مجموعه روی صحنه برود.

«مکبث زار» به تئاتر شهر می‌آید

او که بهمن امسال همین نمایش را در جشنواره چهل‌ویکم تئاتر فجر اجرا کرده بود، درباره تفاوت‌های احتمالی اجرای جشنواره در قیاس با اجرای عمومی توضیح می‌دهد: «قبلا نمایش «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند میکث» را با نگاهی به «میکث» شکسپیر نوشته و اجرا کردم که در چند کشور خارجی هم روی صحنه رفت و جوایزی هم دریافت کرد. «مکبث زار» درواقع نسخه تازه‌تر و به‌روزشده همان

نمایش است که در جشنواره فجر هم اجراش کردیم و اجرای عمومی آن در قیاس با جشنواره تفاوت چندانی نخواهد داشت. البته ظاهرا برای اجرای عمومی باید بازیینی دیگری انجام دهیم.» گفتنی است پشت‌کوهی پیش از این، نسخه دیگری از «مکبث» شکسپیر را در داخل و خارج از کشور روی صحنه برد که با استقبال رویه‌رو شدند. // ایسنا



در گفت‌وگوی «جام جم»

جایگاه زن مسأله‌ه



✎ کار ارزشمندی را در نوفل لوشاتو روی صحنه آورده‌اید؛ به ویژه آن‌که به جای تمرکز بر آثار فراملی، تمرکزتان بر معضلات و آسیب‌های فرهنگی -اجتماعی کشور است. برای آشنایی مخاطبان با قصه نمایش کمی درباره «اهل هوا» بگویید.

«اهل هوا» نوشته مریم تاجیک است. قصه‌ای که در یک خانواده کپرنشین در جنوب کشور می‌گذرد. این خانواده معتقد به سنت‌های عشیره‌ای است. سنت‌هایی که زمان آن گذشته است و در بیشتر مواقع غلط از آب درمی‌آید. داستان درباره مادری است که دو فرزند دارد. یکی از فرزندان به دلیل عدم آگاهی و درک درست نسبت به محیط، دچار بیماری و چهل می‌شود. جهلی که نتایج‌اش از بین رفتن بافت خانواده می‌شود. پرداخت به مسأله ستم و تبعیض فرهنگ مردسالارانه به زنان و دختران، محور قابل اعتنای نمایش اهل هوا است.

✎ چه شد تصمیم گرفتید نمایشنامه خانم تاجیک را به عنوان کار جدیدتان بر صحنه تئاتر انتخاب کنید.

داستان اهل هوا درباره یکسری خرافات حاکم بر زندگی است که پرداخت به آن برای من جذاب بود. البته قصه اولیه چیز دیگری بود اما در تاملاتی که با خانم تاجیک داشتیم به مرور جهت قصه به سمتی رفت که حالا در صحنه می‌بینیم. به عبارتی وقتی داستان را خواندم، احساس کردم برای این‌که امکان نمایشی و تصویرکردن نمایشنامه بیشتر شود نیاز به یک دراماتورزی دارد. البته مضمون اصلی متن همین مادر و فرزند بود ولی چون در جهت اجرا افتاد بالطبع باید دراماتورزی می‌شد. سمت و سوی آن نسبت به یک منطقه خاص از جغرافیا خیلی مستقیم‌تر شد. جنوب کشور ما پر از سنت‌های نمایشی است تصمیم ما بر این شد که به سمت این گونه از رسوماتی که شکلی آیینی دارند برویم. در باور و اعتقادات مناطق جنوبی کشور زار در واقع نوعی بادفرازمینی یا همان جن است



من وقتی سرکلاس می‌روم و از فیلم‌ها یا تئاترهایی که بازی کردم نقل قول می‌کنم؛ یعنی فقط دارم پس‌مانده کارهایی را که کردم انتقال می‌دهم. این به چه درد او می‌خورد

که سوار بر موج دریا و از طریق بادهای موسمی وارد سواحل جنوبی کشور می‌شود و به صورت‌های مختلف در بدن آدم‌ها رسوخ می‌کند. بارسوخ زار در بدن، انسان دچار درد و بیماری می‌شود. نکته قابل تاملی که یکی از دوستان ماکه مشاور گویش کار هم بود گفتند که زار را هیچ وقت آدم‌های متمول نمی‌گیرند و همیشه کسانی مبتلا به آن می‌شوند که از فقر و نبود امکانات بنج می‌برند. این برای من خیلی جذابیت داشت.

✎ موضوع نمایش شما با حال و هوای امروز جامعه خیلی همخوانی داشت. این دغدغه فرهنگی چقدر در این نمایش دخیل بود؟

خیلی. نه این‌که کار دقیقاً براساس اتفاقاتی است که این روزها می‌افتد، روی صحنه آمد. این گونه نیست. من به این موضوع کلیت می‌دهم و فرا زمانی می‌کنم. چون مسأله زن برای من حائز اهمیت بود. مسأله زن برای من مهم است چون مادرم برای من مهم است، خواهرم مهم است، خانواده‌ام برایم مهم هستند. تمام اینها عناصری هستند که کنار هم می‌آیند و ممکن است از زاویه‌ای بتوان گفت این مسأله الان جامعه است. خبر، جایگاه زن مسأله همیشگی جامعه است اما ما به آن نگاه نمی‌کنیم. به طور مثال ما وقتی نمایشنامه، «مادر» اثر برتولت برشت را می‌خوانیم یا روی صحنه می‌بریم، این قصه از منظر چه کسی گفته می‌شود یک زن، یک زن که در جنگ قرار گرفته و فرزندانش را از دست می‌دهد. حالا وقتی همین زن را از ماکسیم گورکی می‌خوانیم یک شکل است. از خجوف می‌خوانیم یک شکل دیگر است. قهرمان مده‌آثر اورپید هم داستان یک زن است. با آنتیگونه و مده‌آ. پس این موضوع در همیشه تاریخ هست اما متأسفانه گاهی مواقع ما از بسیاری از مسائل به قدری ساده رد می‌شویم که متوجه حجم فاجعه نمی‌شویم؛ لذا باید برگردیم و با تامل بیشتر نگاه کنیم. همان کاری که برتولت برشت در تئاتر کرد. او ما را به درنگ دعوت می‌کند. دعوت می‌کند که بایستیم، کمی تامل کنیم و ببیندیشیم. از همه مسائل سریع نگذیم.

✎ یا اجرای این نمایش نشان دادید دغدغه آگاه‌سازی و آموزش دارید. به عنوان یک مربی - فراتر از این‌که مخاطبان تئاتر که باز یاد هستند- فکر می‌کنید چقدر تئاتر نسبت به دیگر رسانه‌ها در مقوله آموزش و فرهنگ‌سازی به جامعه کمک می‌کند؟

بسیار زیاد. در همه دنیا آن چیزی که هنر را دچار بالندگی می‌کند و فرهنگ را اعتلای می‌بخشد، تئاتر است. در کشور ما هم با وجود قدمت کم، حدود صد و اندی سال -همین طور است. تئاتر همیشه

پرسه

محلۀ منیریه به روایت موزه ولی عصر تهران



بیان روایت‌هایی از مشاهیر و ویژگی‌های محلۀ منیریه در موزه خیابان، ولی عصر آغاز شد. رئیس موزه خیابان، ولی عصر گفت: این موزه با هدف بازآفرینی هویت شهری تهران، به معرفی محله‌ها و خیابان‌های تهران می‌پردازد که این بار به ویژگی‌های منیریه و خرده‌روایت‌های این خیابان پایتخت پرداخته است. وحید قاسمی افزود: منیریه یکی از محله‌های واقع در بافت تاریخی تهران و بین خیابان فرهنگ و چهارراه‌های سپه، ابوسعید و لشکر است و قدمت آن به دوره قاجار برمی‌گردد. وی با اشاره به این‌که بازسازی موزه‌ای سقاخانه کربلایی عباس‌علی یکی از بخش‌های رویداد محلۀ منیریه است که در این بخش بازدیدکنندگان با پیشینه و کارکرد سقاها در فرهنگ مردم تهران آشنا می‌شوند، گفت: این روایت از روزگاری که خانه‌ها آب لوله‌کشی نداشت و سقا، آب خوردن به مردم می‌رساند آغاز و به نقش سقاخانه‌ها در مراسم مذهبی و وقف‌های مربوط به آن ختم می‌شود.

نشر

رونمایی از کتاب در رویداد تئاتر صاحب‌دلان



آیین رونمایی از کتاب‌های دوازده‌همین دوره سراسری و اولین دوره رویداد بین‌المللی تئاتر صاحب‌دلان در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.

در این مراسم از کتاب‌های «ملاصدرا و یحیی» به نویسندگی سیدعظیم موسوی، «اندلس، تیغ برهنه» به نویسندگی ابوالفضل ورمزیار، «دلدار» به نویسندگی حسین نوری، «انسان و آدم» به نویسندگی مهدی کاموس و «مار زنگی» به نویسندگی نادیا مفتونی، آثاری است که به زبان انگلیسی و فرانسوی رونمایی شد. حسین نوری، نویسنده کتاب دلدار در این مراسم گفت: من از همین تریبون اعلام می‌کنم که هر عزیزی در هنر تئاتر بخواهد از متن‌های من استفاده کند، من اجازه می‌دهم. نیاز به مجوز نیست و امیدوارم جوانان آذیت نشوند. ابوالفضل ورمزیار نویسنده کتاب «اندلس، تیغ برهنه» نیز گفت: این کتاب داستانی نیست که در یک زمان اتفاق افتاده باشد. این کتاب شخصیتی دارد به نام سیاه‌پوش و معلوم نیست او کیست اما معلوم است که چه کار می‌کند، اعلام نمی‌کند اما اعمال می‌کند و... این نمایشنامه به خوبی و خوشی تمام نمی‌شود، بسیار گزنده و تلخ و عبرت‌برانگیز به پایان می‌رسد.

قاب

آرایشگرزینا

امروز ۲۰ اسفند سالروز تولد رضا بابک، هنرمند نام‌آشنای تئاتر، سینما و تلویزیون است که بی‌شک مخاطبان او را با سریال آرایشگاه زینا می‌شناسند اما بد نیست بدانیم او را از آغازگران تئاتر مدرن و متفاوت کودک در ایران می‌دانند که شیوه اجرایی متفاوتی را ارائه دادند. رضا بابک همزمان با تأسیس اولین گروه هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به گروه تئاتر این مرکز پیوست و به اجرای نمایش و بازیگری به شیوه‌ای جدید مشغول شد. شیوه‌ای که بعدها الگوی کارگردان بسیاری در زمینه تئاتر شد.

